

### نامه‌های رسیده

اشاره: همه روزه پیام‌های فراوان از انبوهی از خوانندگان ماهنامه‌ی حافظ با تلفن و فاکس و نامه و پست الکترونیک به ما می‌رسد. شرمندیم که به دلیل کثرت نامه‌های رسیده، اعلام وصول نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها مقدورمان نیست. اما به شما اطمینان می‌دهیم که همه‌ی این نامه‌ها را می‌خوانیم و به نوبت قسمت‌هایی از نامه‌های خوانندگان فرهنگمند خود را که حاوی پیامی خواندنی باشد در این بخش چاپ می‌کنیم.

### حجت‌حیدری

✉ برای دو ساله شدن ماهنامه‌ی

حافظ

با عرض ادب و احترام، تقدیم به جناب آقای پروفیسور سیدحسن امین فرزند برومند و افتخارآفرین ایران زمین، به مناسبت دو ساله شدن ماهنامه‌ی وزین و شکوهمند حافظ، به آن امید که با انتشار مستمر وقفه‌ناپذیر، فرزندان ایران باستانی و حماسه‌ساز را تا جهان برپاست، رهنمون باشد.

فر حافظ به فریابی فروردین است آریا فر و بلند اختر و مهر آیین است سر خط حسن جمیلش هنر باغ بهشت عطرگیسوی خوشش نغی مشک‌آیین است قلمت افراشته چون سرو سهی در نظرم قد آن سرو روان منظر صد گل چین است الفت حسن تو و مهر من امروزی نیست که در این عرصه مرا سابقه‌ی دیرین است عشق من با گل رخسار تو از روز ازل چون شرفنامه‌ی خسرو به کف شیرین است فر فرزین دل و نور شبستان منی کز گل روی تو بستان دلم رنگین است قند آمیخته با گل نه به کام خسروست لب شیرین تو فرهاد مرا تسکین است گوشوار تر و لعلت نه گران دارد گوش که به گوش دلت از عشق، گران آدین است

به قسم نامه‌ی عزت به شرفنامه‌ی عشق تا به چشمم بنشیند به لبم آمین است سجده‌ی شکر به خلوتگه احباب بریم که امین عاشق عشق است و حقیقت بین است هنری مرد گرانمایه امین دل و جان آفتابی است که روشنگر صد پروین است از نهن خانگی دل با تو سخن می‌گویم گوش دل باز کن ای دل اگر تمکین است عاشق شعر و ادب هستی و شیدای وطن شعر شیوای تو در وصف وطن نوشین است جان و دل وقت سحر در تب و در تاب تو بود مرغ جان باز هوا در شب دوشین است هر چه پیدا و نهان هست در این کهنه غزل شکوه‌های دل سرگشته‌ی این مسکین است مثل زلف سخن از تو به چین افتاده است ناف آهوی ختن چون شکش پرچین است زین ادبیانه سخن گفتن و تحقیق بدیع محفل اهل ادب شاد و عبیرآیین است شیوه‌ی اهل قلم حکمت گفتار بود نه به پندار و تصور که ادب در دین است سخنی آمد و بنشست به گل گیس ادب رسم افسونگری دلبر عشق آیین است مست و شیدای توام بلبل باغ ملکوت باغبانم من و دلم که فلک گل چین است کار تحقیق بدان پایه بلند افتاده است که کلامت چو یکی کوه‌گران سنگین است سخن نغز و حکیمانگی ای مرد حکیم دیده‌ی خصم بلدیش ترا زوبین است سخت تازه و زیبا و دل‌انگیز و لطیف که چو جان در نظر مردم روشن بین است تا بدان پایه بلند است مقام تحقیق که سخن نغز و گران‌سنگ و بزرگ آیین است مرد بشکوه امینی که بر اورنگ ادب شهسواری است که شایان تو صد تحسین است با زبان دل یغمایی فرخنده خصال گفتم این شعر که خود فره‌ی فروردین است رضا یغمایی - تهران

✉ جناب آقای پروفیسور سیدحسن امین مدیر مسوول و سردبیر مجله‌ی حافظ

نمی‌دانم چه بنویسم، از که و از چه و از کدام یک از محاسن موجود در مجله‌ی نامی حافظ، نامی ببرم. اما دلم را به دریا زدم، بنویسم. احسنت به تو مرد که نوشته‌هایت را بیش از یک بار می‌خوانم، می‌دانی با فرصت کمی که برای مطالعه‌ی مجله، روزنامه، کتاب به دست می‌آید، خواندن دو تا سه بار یک مقاله، کار مرد عاشقی است که به آثار ادبی عشق می‌ورزد.

مقالاتی از استاد سیدعلی آل داود، دکتر محمدصالح ابراهیمی، دکتر نعمت احمدی، دکتر عباس بابک، استاد ایرج افشار، دکتر مهدی پرهام، دکتر ناصر تکمیل همایون، دکتر محمدرضا جلالی نائینی، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، عزت‌الله فولادوند، دکتر محمود کورس، دکتر حسین وحیدی و برادر و آقا و استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی و دیگر اساتید که خود انتخاب شده، هستند، کدامین را بخوانم و درک فیض کنم.

من تا امروز مجله‌ی پژوهشی، ادبی و تاریخی، حقوقی و سیاسی که چنین دل‌چسب و دل‌نشین باشد، ندیده بودم. دوستت دارم. خداوند بزرگ تو و هر کسی که ذات و دانش تو را دارد برای مملکت نگه دارد.

دکتر رمضانعلی قاسمی - تهران

✉ مدیریت محترم مجله‌ی حافظ

با سلام و سپاسگزاری از اقدام آن نشریه‌ی محترم در درج پاسخ این جانب به مقاله‌ی وکلای محترم قتل‌های زنجیره‌ی کرمان.

به استحضار می‌رساند در چاپ نوشته‌ی این جانب اشتباهی صورت گرفته که بخش‌هایی از مطلب را دچار ابهام کرده است. بدین ترتیب که در پاراگراف اول صفحه‌ی ۶۴ یک سطر از مطالب پاراگراف آخر صفحه‌ی ۶۵ که در داخل پرانتز مشخص شده [سطر یازدهم ستون یکم صفحه‌ی ۶۴ مجله‌ی شماره‌ی ۲۵] به چاپ رسیده و بقیه‌ی مطالب پاراگراف اول صفحه‌ی ۶۴ در مورد ماده‌ی ۲۱۷ قانون دادرسی کیفری در سطر چهارم تا هفتم پاراگراف آخر صفحه‌ی ۶۵ چاپ شده و قبل از آن عبارت «قانون مجازات اسلامی را نسخ کرده است» که مربوط به صفحه‌ی ۶۴ بوده، دوباره تکرار شده است. از این رو تقاضا دارد برای روشن شدن قضیه، دستور درج اصلاحیه را به نحوی که مقتضی می‌دانید در شماره‌ی آینده صادر بفرمائید. متشکرم.

**رضا فرج‌اللهی** (مستشار شعبه‌ی

۳۱ دیوان عالی کشور) - تهران

✉ مجله‌ی وزین، متین و عمیق

حافظ که دست‌مایه‌ی استاد مسلم فرهنگ پرور و دانشمند بزرگ ادب‌گستر، جناب پروفیسور امین می‌باشد، با سائقه‌ی شاگردی و دانش‌طلبی، به خرید و مطالعه و حفظ آن، همه ماهه اهتمام دارد.

چندی پیش در مقام تقاضای یک نسخه از مقالات یا سخنرانی‌هایی که استاد درباره‌ی حکیم ناصر خسرو داشته‌اند، بودم و با وجود پیگیری تلفنی، بر سبب

مسافرت سردبیر محترم به خارج کشور پاسخی نگرفتم و ناگزیر موضوع مسکوت ماند.

اما با علاقه‌ی که به داشتن ماهنامه، دارم در اولین روز توزیع از روزنامه فروش مجاور خانه‌ام دریافت می‌کنم، با نهایت سپاس و عرض دست مریزاد، آرزو می‌کنم در تداوم این بار سنگین و پُربها متحمل و مقاوم باشید.

اضافه کنم که سال‌های بعد از بیست، مصحح روزنامه‌های **ستاره**، **باختر امروز**، **نوبهار** ملک‌الشعرای بهار، مجله‌ی **امید ایران (سرمد)**، مجله‌ی **فردوسی**، روزنامه‌ی **اخبار روز** و اداره‌ی انتشارات آن زمان و همکاری با مرحوم حسینقلی مستعان و کتاب‌هایی نظیر کتاب **عارف قزوینی** و... بوده‌ام و تا امروز نشری بدون غلط چاپی ندیده‌ام. حتا همین مجله بسیار خواندنی **حافظ** که با تمام دقت تصحیح می‌شود و باز هم حقیر، اغلاط آن را در مجله‌ام، اصلاح می‌کنم. با رجای توفیق آن عزیزان.

**جواد بیضایی** - تهران

✉ طاهر خیامی هستیم، متولد ۱۳۳۴،

آستارا. کار گمرکی می‌کنم. عکس هم می‌گیرم و گاهی اوقات هم طرحی می‌کشم.

دخترهایم که دو تا هستند، در رشت پزشکی می‌خوانند، سراسری؛ و پسرم تربیت بدنی خوانده است و راننده‌ی اُرانس است! خودم هم سال‌ها معماری خوانده‌ام، ولی معمار آجرها نشدم و می‌خواهم بنای کوچک واژه‌ها بشوم. کوه و دریا و آفتاب را دوست دارم و سلامتی و لب‌های خندان بقیه را بیش‌تر از همه. به همه‌ی اهل **حافظ** سلام دارم.

**طاهر خیامی** - آستارا

✉ این جانب آزاده‌ی پورصدامی، تخلص (شیرین)، متولد بهمن ۵۷ از دیار گرم خوزستان، شهر اهواز می‌باشم. تحصیلات خود را در زمینه‌ی کارشناسی زبان انگلیسی و کارشناسی ارشد ادبیات فارسی به انجام رسانیدم. به هر سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی تسلط کامل داشته و شعر می‌سرایم. اولین کتاب شعرم را به نام «رها در باور تو» در سال ۱۳۸۲ نوشتم. هم‌چنین کتاب داستانی به نام **آن سوی چشمان بسته**، در سال ۱۳۸۳ به اتمام رساندم. ولی تاکنون بنا به دلایل خاصی قادر به چاپ هیچ یک از دو کتاب مذکور نشدم. امید است ماهنامه‌ی پُرخواننده‌ی شما راهی باشد، برای ارائه‌ی نوشته‌هایم. این هم، نمونه‌ی شعرم:

برای گونه‌های تو / چه سان تلخ است ای مادر! / چو خندان می‌شوی / آن دم مرا در تار می‌بافد / هجوم عنکبوت غم / بر او فریاد می‌دارم / نَتَن بر من، نَتَن بر من! / چرا مادر؟ / چرا پیری؟ / سوال ابلهانه پرسیدم؟ / من این پیری نمی‌خواهم / نمی‌خواهم / چرا که نیک می‌دانم، / حکایت از چه‌ها دارد! / بمان با من / جوان مادر! / جوان مادر!

**آزاده پورصدامی** - اهواز

✉ از مردادماه که سالگرد دکتر امیرحسین آریان‌پور، استاد مسلم جامعه‌شناسی بود، تا امروز هم‌چنان منتظر بودم که در مجله‌ی **حافظ** که اکنون حافظ میراث فرهنگی این سرزمین است، راجع به آن استاد، مطلبی بخوانم. اکنون که دیدم گویا بزرگداشت آن بزرگ در دستور کار شما نیست، خودم قلم به دست گرفتم و مقاله‌ی درباره‌ی

این فرهنگ‌آفرین نامدار به خوانندگان شما تقدیم می‌کنم... او از جامعیتی در زمینه‌های جامعه‌شناسی، هنر، فلسفه، روش‌شناسی، تاریخ، زبان سیاست و... برخوردار بود که مثلش کم‌تر دیده شده است. او یک تنه، فرهنگ چهار زبانه‌ی فارسی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی را نوشت که هنوز چاپ نشده، اما همان کتاب «زمینه‌ی جامعه‌شناسی» اش نیز که در ۱۳۴۴ چاپ شد، او را به حق «پدر جامعه‌شناسی نوین ایران» لقب می‌دهد.

**محمود سامی - تهران**

✉ خواهشمندم درباره‌ی نقش ورزش در سالم‌سازی جامعه و مخصوصاً نسل جوان هم مقاله منتشر کنید.

### رسول اکبرزاده - ایلام

✉ نشر ماهنامه‌ی وزین **حافظ** که به حق نشریه‌ی نخبگان فرهنگی ایران است، ضمن آن که به ما درس خوبی، درستی و پاکی می‌دهد، موجب می‌شود که ما هنوز هم احساس افتخار و غرور کنیم که اعتبار فرهنگ و اندیشه‌ی ایرانی بر دوام است. **حافظ** مورد اعتماد و قبول و حمایت نخبگان فرهنگی است، زیرا قبول مسوولیت کرده و از فرهنگ ایرانی و شرافت و عزت ایرانیان، پاسداری می‌کند. این درحالی‌ست که رسانه‌های داخلی دیگر متأسفانه اکثراً مشروعیت و مقبولیت خود را بین جامعه‌ی روشنفکری از دست داده‌اند. رسانه‌ها همگی باید رسالت مهم و مسوولیت اجتماعی حرفه‌ی خود را پیوسته به یاد داشته باشند و بدون پیروی از خط و ربط‌های جناحی، خدمت به جامعه و فرهنگ را مدنظر داشته باشند.

نامه‌های خوانندگان که مجله را ارزیابی می‌کنند و احیاناً از شما تمجید یا انتقاد

می‌کنند، بسیار مفید است، هر چند عده‌یی به اشعار و نامه‌هایی که در تایید سمت و سوی ماهنامه چاپ می‌شود، حسودی‌شان می‌شود. من به این حضرات می‌گویم که چرا کسی در ستایش روزنامه‌های دیگر این همه نامه و شعر نمی‌فرستد؟ من می‌دانم که فلان روزنامه‌نگار و بهمان مجله‌نویس اگر کسی یک سطر در تایید آن‌ها بفرستد، آن را نزد مدیر و سردبیر مجله می‌برند که جاپای خودشان را در آن موسسه محکم کنند.

### فرشته‌ی بیات - تهران

✉ با سلامی از این دل غمگین خدمت سرورم، جناب امین با سپاس از «امین» و همیاران همه اصحاب **حافظ** ایران آفرین بر قلم‌زنان وطن نامدارانِ مادر میهن حافظ **حافظ**، ایزد دانا از گزند زمان، مصون مانا قلمِ پروفیسور، جناب امین هم‌چو قند و عسل بود شیرین آری، «اسفند» ماه شادی و غم نیم آن شاد و نیم آن ماتم «غم» ز مرگ ابر برومند است سوک «دکتر مصدق» اسفند است «شاد»‌ی‌اش، لطف کردکار جلی «صنعت نفت» ما شدی «ملی» یاد آن روزهای فرخنده یاد آن، رهبر فروزنده

یادِ آن، پایکوبی همگان از زن و مرد، خاصه، نسل جوان یاد آن، مارش‌های شورانگیز یادِ فرمان پیشوا: «برخیز!» من، یک از رهروان دوران‌ام ذره‌ای، از مقام انسان‌ام لیک فخری‌ست، کهنه سربازم افتخار دگر، که: جانبازم شرح نهضت دل و جگرسوزست ننگ و نفرت به آتش‌افروزست! ای گران‌سنگ نیک‌نام، «امین» خوش‌مرام و قوام و خوش‌آئین! بعد جانبازی، «امیرکبیر» یک ابرمرد، یک نخست‌وزیر پیشوای حماسه‌ی حق بود «پیر سردار» ما، «مصدق» بود «او» شرف داد، ملت ما را رهبری کرد، نهضت ما را گفت: «هر جا که ملت‌ست آن‌جا» «مجلس» آن‌جا و «دولت»‌ست آن‌جا گفت: «ای ملتِ شرافتمند خواب خرگوشی، تا کی و تا چند؟! گفت: «ننگی به خلق ایران‌ست! «نفت» ما، دست انگلستان‌ست! گفت: باید ز جور استعمار ظلم تحمیق و جور استعمار باید اکنون ز خواب برخیزید با صلابت به اهرمن تازید نور خورشید و آفتاب دمید روز بیداری‌ست و صبح امید

**احمد لطیفی - تهران**

## تسلیت

درگذشت استادم دکتر عزالدین کاظمی را که در دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران به ما «حقوق معاهدات» تدریس می‌کرد، به خاندان‌های کاظمی و سالور و نیز جامعه‌ی حقوقدانان، دیپلمات‌ها و همه‌ی آزادگان ایران تسلیت می‌گویم.

**پروفیسور سیدحسن امین**

ای ایران سے مرز پر گھر  
 ای ایران سے مرز پر گھر  
 دور از تو اندیشه بدان  
 دشمن از تو سنگ خارہ ای مہنم  
 ای خاکت سر خمیہ سپر  
 پانیدہ مانے تو جاودان  
 جان من فدای خاک پاک مہنم  
 دور از تو نیست اندیشہ ام  
 مہر تو چون شد پیشہ ام

در راہ تو کی از زشی اردایں جان

ماندہ باد خاک ایران ما

سنگ کو بہت درو کو بہر است  
 مہر تو چون شد پیشہ ام  
 خاک دشت بہتر از زر است  
 مہر تو چون گنم  
 مگر دوش جان دور آسمان است  
 نور از روی ہمیشہ رہنمای است  
 دور از تو نیست اندیشہ ام  
 مہر تو چون شد پیشہ ام

در راہ تو کی از زشی اردایں جان

ماندہ باد خاک ایران ما

ایران ہی خرم بہشت من  
 گر آتش بار دنیہ سکرم  
 روشن از تو سر نوشت من  
 از آب و خاک مہر تو بر شتر شد ظلم  
 خرم بہرست در دل نیرورم  
 مہر اگر برون رو دکھی شود دلم  
 دور از تو نیست اندیشہ ام  
 مہر تو چون شد پیشہ ام

در راہ تو کی از زشی اردایں جان

ماندہ باد خاک ایران ما

ای خاکت سر خمیہ سپر